

آلیس، روی دیگر منطق

نوشته آنتونی بورگس

لوئیس کارول، نویسنده کتاب آلیس در سرزمین عجایب (۱۸۶۵) و آلیس در میان آینه (۱۸۷۲)، در زندگی خصوصی خویش استاد ریاضی دانشگاه آکسفورد و موسوم به چارلز لوتویچ داجسن بود. وی در کنار کارهای دیگری که اکثر اوقات برای پاسخ به سوالات دشوار ریاضی انجام می‌داد به نویسندگی نیز می‌پرداخت. همچنین نخستین عکسهای با ارزش را به وجود آورد. تک چهره‌هایی که از کودکان و مخصوصاً آلیس لیدل که ناگهان قهرمان و نخستین خواننده کوچولوی دو کتاب بزرگ او شد، برداشته است، دارای همان افسون و مهارت تکنیکی است که در روزگار ما، در کار شکارچیان حرفه‌ای عکس، دیده می‌شود.

اگر مهر معصومانه او به دختران کودک به تمایل جنسی تعبیر شود، تعبیری حماقت‌آمیز است؛ شاید این عشق ناشی از آرزوی او به این بود که کودک بماند. وی هیچ‌گاه ازدواج نکرد و با خلوص بسیار وابسته به مذهب بود و میل داشت که در گوشه‌ای، از مخاطرات دنیای خارج در امان بماند؛ اما انتشار دو کتاب آلیس برای او شهرت به بار آورد.

دو کتاب آلیس کارهای خیالی و بازتاب این عشق «تعبیرناپذیر» هستند که در تجسم فضای انگلیسی قدرتمندان توفیق یافت و از حضور بقیه جهان غافل ماند. خطر جویبهای آلیس مبنی بر تجسم اوهامی است که از اشیاء عجیب ناشی می‌شوند. بنیان محکم زبان ترکیبی این اثر به ما اجازه می‌دهد که آن اوهام را به بیداری تلقی کنیم. من در مورد زبان انگلیسی نوشته‌های کارول مطالب بسیاری شنیده‌ام. شماری از بازبهای لفظی با این واژه‌های رؤیایی به زبانهای دیگر، سرگرداندنی نیست.

در یک شعر رمزی یکی از شخصیتها، یعنی هامپتی دامپتی Humpty Dumpty (کوکوی چاق)، به طرز دلپذیری امکانات دنیای رؤیا را برای آلیس خلاصه می‌کند. مثلاً آنجا که کلمه سلایمی slithy، همزمان معنی دو کلمه سلایمی slimy (= لیز و لجن آلود) و ولایت lithe (= نرم و سبک) را می‌دهد. هامپتی دامپتی این گونه کلمات را «کلمات صندوقی» (Portmanteaux words) می‌نامد زیرا می‌توانند چند معنی را در خود جای دهند.

جیمز جویس تمام امکاناتی را که این زبان ترکیبی ارائه می‌کند در رمان بزرگش بیداری فینگانها ستنجیده است و همان فن را در افعال این رمان به کار گرفته است. به بیان دیگر، شیوه‌ای که نزد کارول به صورت یک شوخی آغاز شد، نزد جویس که به وسیله آن مصمم شد چگونگی اعمال روح انسان اسیر اوهام را بنمایاند، به صورت تلاشهای جدی درآمد.

در عرف فرنگی، آلیس، یک دختر کوچولوی ظریف نیست. پرخاشگر و قدرت طلب و مغرور است. ابدأ فروتنی ندارد و این ناشی از روحیه سلطه‌جویی بریتانیایی است که این دختر از هیچ چیز باک ندارد. مثلاً ضمن فصل سرباز دل وقتی بی‌بی یا ملکه و رقیهای گنجینه بر سر



Drawing by Sir John Tenniel

ملکه گنجینه با تمام قوا فریاد کنید «..... سرش را می‌برید». اما از هیچ کس حرکتی سر نزد آلیس که اکنون تمام قدش را باز یافته بود گفت: «کی به شما و اوامرتان اعتنا می‌کند؟ شما چیزی جز دسته‌ای ورق نیستید!» با این جمله همه اوراق بازی در هوا بر گرفت و روی سر آلیس فرو ریخت

آلیس فریاد می‌کشد که: «سرش را می‌برند!» این دختر کوچک باید خیلی دل داشته باشد تا پاسخ دهد که: «شما چیزی جز دسته‌ای ورق نیستید!» درحالیکه که از یک دقیقه پیش کابوس هجوم گردباد ورقها را دیده است که هنوز دور سرش می‌چرخند. آلیس به مستعمره‌ای تبعید شده است که دیوانگی بر آن حکومت می‌کند، اما ابدأ هوشیاری خود را از دست نمی‌دهد. آلیس کاملاً انگلیسی مآب، کاملاً بیروزمند، و نیز بسیار شگفت‌انگیز، نمونه یک انسان است.

ژوئن ۱۹۸۲

آنتونی بورگس Anthony Burgess، رمان‌نویس منتقد و مقاله‌نویس انگلیسی و مؤلف کارهای فراوان از جمله تازه‌ترین آثارش شعله در هستی، یک مطالعه اختصاصی درباره‌ی دی. ای. لاورنس (۱۹۸۵) و مجموعه‌ای از مقالات است (۱۹۸۶).